

## دلالت آیات ناهیه از افساد بر حکم حرمت آلودن آب

ناهید دهقان عفیفی\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۵

احمد باقری\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۵

سید ابوالقاسم نقیبی\*\*\*

### چکیده

ریختن فاضلاب‌ها در آب همان آلودگی است و با واژه افساد بکار رفته در آموزه‌های دینی مترادف است. افساد در قرآن به معنای معصیت و گناه، مبارزه با قوانین الهی و انبیاء، نابودی کشتزارها و نسل، کفر و ظلم، تکذیب رسل الهی، جنگ و دزدی استعمال شده است. نیز شرارت، کشتار بندگان، هرج و مرج، ابطال، قتل و دزدی از دیگر معانی افساد است. این واژه در لغت متضاد با اصلاح، ابطال، بی فائده نمودن و تباهی است. تحقیقات صورت گرفته در این موضوع با عناوینی همچون آلودگی آب و پیامدهای آن، بررسی آب از دیدگاه قرآن کریم و اهمیت محیط زیست از دیدگاه اسلام می‌باشد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، از نظر قرآن آلودن آب‌ها به صورت وسیع حرام و ممنوع است. روایات و دلائل عامی مانند حرمت تزیین مال مفید شامل محل بحث می‌شود. واژه افساد با مفهوم وسیع خود قابلیت تعمیم نسبت به مصادیق دیگر را داراست. آلودن آب‌ها همان افساد بوده و آیات با عموم شامل آلودگی با فاضلاب هم می‌شوند.

**کلیدواژگان:** افساد، آلودن، حرمت، منابع آب، محیط زیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\* استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

\*\*\* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: احمد باقری

## مقدمه

گسترش جمعیت زمین از طرفی و مصرف مواد مورد نیاز برای انسان از طرفی دیگر تولید مواد غذایی و ما یحتاج زندگی منشأ ایجاد پساب‌ها و فاضلاب‌هایی است که توسط آدمی به وجود می‌آیند. ریختن این فاضلاب در تأثیرات عمیقی در اکوسیستم رودها، دریاچه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها داشته و موجب آثار زیانبار گسترده‌ای می‌شود که برون‌رفت از آن هزینه‌های فراوان بر جوامع تحمیل می‌نماید. در این میان می‌توان مسأله مورد بحث را چنین تقریر نمود که در برخی موارد ریختن این فاضلاب‌ها در آب‌ها امری اجتناب ناپذیر می‌باشد. گاهی نیز با وجود راه‌هایی مانند تصفیه می‌توان از آلودگی آب‌ها جلوگیری نمود.

آب منشأ حیات برای تمام موجودات زمین می‌باشد و کمبود آن می‌تواند صدماتی مانند نابودی نوع موجودات زنده را در پی داشته باشد. این خطر به دنبال آلودگی‌هایی که در آب‌ها ایجاد می‌شود نیز وجود دارد زیرا آب آلوده منبعی غیر قابل استفاده است و در حکم فقدان این ماده طبیعی و حیات‌بخش می‌باشد. محیط زیست گیاهی و جانوری و در رأس آن انسان برای زندگی بر روی کره زمین نیازمند آبی سالم است و فقدان این ماده صدماتی را به محیط زیست وارد آورده و در نهایت خود انسان را گرفتار هلاکت خواهد کرد.

بنابراین مقابله با آلودگی آب یکی از جنبه‌های حفاظت از محیط زیست و حفاظت از آن می‌باشد. زیرا عدم جلوگیری از اقدامات لازم باعث بگرنج شدن اوضاع و نابودی بیش‌تر محیط زیست می‌شود. این آسیب‌ها در نهایت زندگی را در کره خاکی با خطرات مهیبی روبه‌رو خواهد ساخت. البته دین اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول برای تربیت انسان‌ها، تمام جوانب زندگی را در بر گرفته و برای ریزترین نکات تا عام‌ترین امور برنامه دارد. در این مورد نیز اسلام با کلیاتی که بیان کرده احکام تکلیفی و وضعی را بیان نموده و این وظیفه متدینین است تا با کنکاش در ادله اجتهادی به آن‌ها دست یابند. بی‌تردید تبیین حکم حرمت آلودن آب از طریق بررسی آیات و روایات می‌تواند رفتار بخش عظیمی از جامعه جهانی را که مسلمانان هستند تحت تأثیر قرار داده و عملاً به راه‌های جایگزین روی آورند.

بنابراین هدف از این مقال تبیین نظر اسلام در مورد حکم آلودن آب‌هاست. زمانی که امکان تصفیه آب‌های آلوده شده برای دست اندرکاران وجود دارد و با توجه به اهمیت آب در جهان امروز از طرفی و نیز صدمات جبران ناپذیر دفع فاضلاب در آب‌ها که به صورت تخریب محیط زیست جانوری، گیاهی و انسانی می‌شود، نمی‌توان آن را بدون حکم تصور نمود. پس علاوه بر حرمت آلودن می‌توان لزوم تصفیه و بهره برداری را نیز از برخی متون دریافت.

تعمیم مفهوم فساد در چنین اموری با توجه به یافته‌های محققین علوم تجربی و عقلی، سهل و امکان‌پذیر می‌نماید. فساد به معنای تباهی و افساد به معنای تباه کردن است. استعمال متعدد این واژه در قرآن و اراده معانی مختلف با توجه به سیاق و مراد خداوند متعال و تفاسیر مختلف نشان دهنده توسعه مفهوم می‌باشد. با توجه به اینکه قرآن به صورت کلی به بیان احکام و قوانین اشاره داشته است می‌توان گفت این واژه قابلیت تعمیم نسبت به مصادیقی فراتر از آنچه توسط اهل لغت و مفسرین بیان گشته دارد. این آیات با عمومی که دارند شامل هر نوع آلودگی خواهند بود که موجب صدمات به انسان و یا محیط او شوند. خواه آسیب‌های روحی و یا مادی. در هر صورت علوم تجربی زیان‌های آلودگی آب‌ها را یافته و به حدی بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که نیازی به بحث و تبادل نظر در خصوص احتمال زیان وجود ندارد. اگر آلودگی در حکم تباهی و افساد باشد طبعاً همان حکمی را خواهد داشت که افساد در قرآن داراست.

### پیشینه تحقیق

کتاب «اسلام و محیط زیست» از عبدالله جوادی آملی و کتاب «الفقه- البيئة» از سید محمد حسین حسینی شیرازی. کتاب «اسلام دین سبز» از منیژه خلیلی. مقاله «بررسی آب از دیدگاه قرآن کریم» از محمد جواد محمدی، علی معطریان و محمد مهدی /مین؛ مقاله «بررسی نقش قرآن و آموزه‌های دینی در صیانت و حفاظت از منابع آب»، نوشته شده توسط هادی زارعی و مهدیه یزدی از جمله تحقیقات انجام‌شده در این موضوع هستند.

## مفهوم شناسی فساد

- الف. برخی از اهل لغت این واژه را خروج از حد اعتدال دانسته‌اند. راعب از جمله این افراد می‌باشد (راعب اصفهانی، ۱۴۱۲ ش: ۶۳۶). بنا بر این تعریف «افساد» با «اسراف» هم‌معنا خواهد بود (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵: ش ۶۹).
- ب. برخی این لفظ را متضاد با صلاح دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲: ۵۱۹ و حمیری، ۱۴۲۰، ج ۸: ۵۱۸۷ و فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۲۳۱).
- ج. برخی نیز آن را به معنای «جذب» به معنای معیوب نمودن دانسته‌اند (سعدی، ۱۴۰۸: ۲۸۵). «فساد» در آیه ۴۱ سوره روم را به معنای «جذب» در خشکی و قحطی در شهرهایی که کنار رودها می‌باشند، دانسته‌اند (شرتونی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۹۲۴).
- د. برخی «افساد» را به ابطال معنا نموده‌اند (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۶۴).
- آنچه از بیان اهل لغت استنباط می‌شود اینکه «فساد» تباهی مادی و جزئی می‌باشد. گرچه استعمال این لفظ در مورد نظم عمومی و هرج و مرج بیش‌تر می‌باشد. هـ برخی از اهل لغت نیز واژه «فساد» را به معنای بدون فائده و منفعت معنا نموده‌اند (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۲۱).
- و. تباهی، خرابی، شرارت، فتنه، آشوب، بی ارزش شدن، ظلم و ستم، از سامان و نظام افتادن، قصد بد و زوال صورت ماده (انوری، ۱۳۸۲، ج ۶: ۵۳۵۹) و پوسیدگی، فتنه و آشوب، لهو و لعب نیز جزء معانی افساد است (عمید، ۱۳۸۹، ج ۲: ۸۸۱).

## مفهوم فساد در قرآن

فساد در لغت به معنای ضد اصلاح، آلودن و تباهی آمده است. تبهکاری، بر پا کردن فتنه، بد کردن، اغتشاش، خرابی، زیان و خسارت نیز از دیگر معانی این واژه به شمار می‌روند.

آیات قرآن در موارد متعددی از واژه «فساد» استفاده نموده است و در هر کدام بنا بر سیاق آیه و شأن نزول مفاهیمی را اراده نموده است. حال باید دید خداوند متعال از این واژه چه اراده‌هایی داشته است.

الف. آیاتی که فساد را به معنای معصیت الهی و جلوگیری از ایمان دانسته‌اند:

﴿لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ﴾ (بقره/۱۱)

«در زمین فساد مکنید»

ابن عباس واژه «فساد» را در این آیه به معنای معصیت الهی دانسته است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۰۴). برخی نیز مقصود از «افساد» در این آیه را میل منافقان به کفار و افشاء اسرار مسلمانان دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۷۴). برخی دیگر نفاق و دورویی و تشویش اذهان مؤمنان را مراد خداوند متعال در این آیه بیان کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۹۶). گروهی از مفسرین دلیل پاسخ مفسدین به مؤمنین را چنین بیان داشته‌اند که اولاً: می‌گویند ما مصلح هستیم و افساد از عادات ما نیست. ثانیاً: می‌گویند: آنچه شما آن را فساد می‌پندارید از نظر ما صلاح است (نحاس، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۱).

ب. آیاتی که فساد مالی را مد نظر قرار داده‌اند:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ

مِنَ الْمُصْلِحِ﴾ (بقره/۲۲۰)

«افساد» در آیه فوق تباه نمودن اموال یتیم معنا شده است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۸۲). هر نوع خیانتی که در اموال ایتام رخ دهد به عنوان فساد شناخته می‌شود (نحاس، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۷۷). بنابراین می‌توان گفت خیانت در اموال دیگران می‌تواند از مفاهیم «فساد» باشد.

ج. آیاتی که مبارزه با قوانین الهی و انبیاء را فساد دانسته‌اند:

﴿لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذِكْرُكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (اعراف/۸۵)

افساد در زمین نیز دارای تفاسیر متعددی است. بدین ترتیب که خداوند متعال به واسطه اوامر و نواهی و بعثت رسل اقدام به اصلاح زمین نموده است. پس هر اقدامی که موجب از میان رفتن این اوامر و نواهی گشته و زحمتی که رسولان الهی در راستای رسیدن به تعالی بشر متحمل شده‌اند، شود، طبعاً مصداق افساد خواهد بود (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۴۶۲). روایات تفسیری نیز بر این امر صحت گذارده و «افساد» موجود در آیه را در مقابل اصلاحی که توسط نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله دانسته‌اند (عیاشی، بی تا، ج ۲: ۱۹).

د. آیاتی که کشتار و نابودی مزارع را مصداق «فساد» دانسته‌اند:

﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾

(بقره / ۲۰۵)

«و چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد است بکوشد تا حاصل خلق به باد دهد و نسل بشر را قطع کند و خداوند مفسدان را دوست ندارد»

شأن نزول آیه فوق درباره/خنس بن شریق است که برای اظهار اسلام خویش نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد. وی زمانی که از مدینه خارج شد زمینی زراعی را به آتش کشیده و اقدام به بریدن پاهای الاغی نمود و این آیه نازل گشت (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸: ۳۹). قطع رحم و خونریزی از دیگر معانی «فساد» در ذیل آیه ۲۰۵ سوره بقره دیده می‌شوند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۵۵). البته برخی از مفسرین بر این عقیده‌اند که معنای «فساد» در آیه فوق دو گونه است: کفر و ظلم (ابن الجوزی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰۱).

روایاتی نیز در تفسیر آیه ۲۰۵ سوره بقره وارد شده که «حرث» را زمین و «نسل» را فرزند تفسیر نموده‌اند (حویزی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۴). واژه «نسل» مطابق آنچه در تفاسیر اهل بیت علیهم السلام دیده می‌شود به معنای مردم می‌باشد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۵۵). مفسرین نیز همانند همین تفاسیر را برای دو کلمه «حرث» و «نسل» بیان کرده‌اند. بدین ترتیب که «حرث» زراعت و کشاورزی و «نسل» به معنای زن و اولاد معنا شده است (ابن الجوزی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰۱). در واقع نسل را می‌توان به تمامی جانوران نسبت داد. بدین ترتیب که هر موجودی که دارای نسل باشد می‌تواند مصداق آیه شریفه باشد (نحاس، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۵۰).

هـ آیاتی که «فساد» در آنها به معنای تکذیب رسولان الهی و کوشش بر محو و دفع اسلام است:

﴿وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (مائده/۳۳)

و. آیاتی که نابودی حاصل از جنگ را مصداق «فساد» معرفی نموده‌اند:

﴿قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا آذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾

(نمل / ۳۴)

این آیه تخریب ناشی از جنگ و ویرانی حاصل از آن را به حکام و پادشاهان نسبت داده است. بدین ترتیب که نابودی اموال و شهرها به ایشان نسبت داده شده که عمدتاً به واسطه جنگ و پیکار به وقوع می‌پیوندد (فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۶۵).  
ز. آیاتی که کشتار بندگان را مصداق فساد دانسته است:

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ (اسراء/

(۴)

در تفسیر این آیه چنین آمده که بنی اسرائیل اقدام به قتل دو تن از انبیاء یعنی زکریا و یحیی علیهما السلام کرده‌اند (سیوطی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۱۶۳).

ح. آیاتی که قتل و دزدی و در کل بی قانونی را «فساد» دانسته‌اند:

﴿ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ

يَرْجِعُونَ﴾ (روم/ ۴۱)

کشتار در خشکی و غصب کشتی‌ها (یا به معنایی می‌توان گفت دزدی دریایی) در این آیه جزء مفاهیم «فساد» تفسیر شده است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۰۵). مراد از برّ مطلق خشکی و از بحر دریاست و ظهور فساد در آن دو عبارت است از ناامنی‌ها، قحطی‌ها، طوفان‌ها، زلزله‌ها، سیل‌ها و قتل و غارت‌ها و امثال این‌ها. اعم از طبیعی و غیر طبیعی (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۶۳).

واژه «فساد» از نقطه نظر مفسرین نیز بی تشابه به نظر اهل لغت نیست. برخی خارج نمودن چیزی از حالت طبیعی را افساد دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۵).

شیخ طوسی بعد از اینکه آیه را مطابق آنچه بیان شد، تفسیر نمود، معنای «فساد» را خارج ساختن چیزی از حالتی دانسته که در حالت سلامت می‌توان از آن بهره برد (همان، ج ۴: ۴۶۲). بنابراین معنای آیه ۸۵ سوره اعراف چنین خواهد بود که اعمالی زشت را بعد از اصلاح زمین توسط خداوند متعال مرتکب نشوید (همان).

شیخ طوسی در جای دیگری «فساد» را عملی معرفی نموده که زیانبار بوده و هیچ گونه مصلحتی در آن نباشد (همان، ج ۲: ۱۸۰).

گروهی بر آن اند که «فساد» آن چیزی است که ترک آن سزاوار می‌باشد. زیرا عدم ترک سبب زیان می‌باشد (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۷۰).

بیان این نکته لازم است که آنچه مفسرین در مورد انواع و مصادیق «فساد» بیان کرده‌اند، مخصص نبوده و نهی آیه شامل انواع فساد خواهد بود. به عبارت دیگر تمام آنچه بیان شده صحیح است ولی می‌توان مصادیق دیگری نیز بدان‌ها افزود. خرابی و هلاک نیز از دیدگاه برخی مفسرین به عنوان «فساد» دانسته شده است (طبرسی، ۱۴۱۵ج ۸: ۶۵). در کل می‌توان گفت تمام تباهی‌ها در زمین مسبب اعمال انسانی بوده و این آدمی است که با افروختن جنگ‌ها و تصرف و تعدی و غصب اموال باعث ایجاد فساد و نابودی می‌شود. علامه طباطبائی در این رابطه می‌فرماید: «شناعة الاعمال یوجب ظهور الفساد فی البر والبحر وهلاک الامم بفسو الظلم وارتفاع الأمن وبروز الحروب وسائر الشرور الراجعة إلى الانسان وأعماله» (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۱۸۱).

### تعمیم واژه «فساد» نسبت به مصادیق دیگر

بنا بر آنچه در تفاسیر بیان گردید و همچنین استعمال واژه «فساد» در قرآن کریم که در مفاهیم متعددی به کار رفته می‌توان نتیجه گرفت مورد مخصص نبوده و می‌توان به راحتی الغای خصوصیت کرده، و دیگر مصادیق را که از دیدگاه عرف و عقل فساد و تباهی خوانده می‌شوند، جزء معانی «فساد» دانست.

رجوع به کتب روائی و فقهی نیز بر این امر صحه می‌گذارد که «فساد» معانی دیگری را نیز در بر می‌گیرد. افساد عقود که به معنای بطلان می‌باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۴۹)، فساد آب که به معنای نجاست بوده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۶۵) و استعمال «افساد در مورد اشیاء مانند غذاها (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۴: ۲۸۳)، اشربه (همان، ج ۲۵: ۲۵) از همین نمونه‌اند. استعمال عرفی همین واژه در جرائم مالی و اخلاقی نیز مؤید دیگری بر مدعاست. بنابراین معنای «فساد» علاوه بر اینکه می‌تواند تمامی آنچه در آیات بیان شده را در بر گیرد، شامل معانی‌ای می‌شود که در عرف موضوع له این لفظ واقع می‌شوند.

### دلالت آیات بر حرمت آلودن آب

حال که مشخص گردید آلودن می‌تواند جزء مصادیق «افساد» باشد می‌توان به بررسی تطبیق فساد بر آلودن آب‌ها پرداخت. بیان گردید که آب‌ها اعم از رودخانه‌ها،



دریاچه‌ها و دریاها جزء منابع آبی و غذائی بشر محسوب شده و هر کدام به نوعی تأمین‌کننده آب و غذای بشر می‌باشند. انواع باکتری‌ها و میکروب‌های موجود در این آب‌ها سلامتی آدمی را تهدید می‌کنند (فروزنده شهرکی، ۱۳۸۳: ۵).

آلوده کننده عاملی است که می‌تواند تغییرات غیر قابل قبول و پیش بینی نشده‌ای را بر روی محیط اطراف اش ایجاد نماید و باعث اختلال در روند عادی بشود. احتمالاً اثرات ایجاد شده اثری مستقیم و یا غیر مستقیم بر روی حیات انسان، موجودات زنده، اجتماعات حیوانی، زنجیره غذائی و اینگونه موارد، داراست (بلاک، ۱۳۶۴: ۱۵۰).

خواه ناخواه دفع فاضلاب‌ها با وجود مواد شیمیائی و میکروبی در این پساب‌ها به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در زندگی آدمی تأثیر گذارده و منجر به بروز بیماری‌های مزمن و غیر مزمن، یا مسری و غیر مسری خواهند شد. از طرفی کاهش مقدار اکسیژن، کاهش نسبت فتوسنتز در گیاهان، کاهش حلالیت اکسیژن در درون ستون آب، کاهش سرایت اکسیژن جو در حد فاصل آب- هوا، افزایش مصرف اکسیژن و وفور مواد غذایی گیاهی از صدماتی است که ورود فاضلاب‌ها به آب رودها و دریاها ایجاد می‌کند (همان: ۱۵۱-۱۵۷).

ورود بخشی از این مواد در چرخه غذائی آبزیان طبعاً ورود آن به سفره غذای آدمی را در پی داشته و یا دفع آن در آب‌های شیرین منجر به بروز بیماری‌های مختلف خواهد شد. فاضلاب‌ها دارای مقدار بسیار زیادی مواد خارجی هستند که به صورت‌های گوناگون برای زندگی موجودات زنده زیان‌آور می‌باشند. وجود میکروب‌های بیماری‌زا و باکتری‌ها در فاضلاب‌ها، از جمله عواملی هستند که بهداشت عمومی را به خطر می‌اندازند.

در صورت فقدان تصفیه و ورود این آب‌ها به منابع طبیعی آب، باکتری‌های هوازی، اکسیژن محلول در آب را تنفس کرده و از مواد آلی فاضلاب تغذیه می‌کنند. مصرف اکسیژن محلول در آب سبب کاهش مقدار آب و در خطر افتادن حیوانات آبی می‌شود. مواد شیمیائی سمی که در پساب کارخانه‌ها وجود دارد یکی از عوامل مهم مسمومیت انسان یا حیوان است. نمک‌های سمی برخی فلزات مانند آرسنیک، سرب و دترجنت‌ها سلامتی موجودات زنده را به خطر می‌اندازد (بهزادفر، ۱۳۸۸: ۲۶۱). در هر صورت این آلاینده‌ها باعث آلوده شدن آب و یا افساد آن بوده و مسلماً دارای حکمی از احکام

پنج‌گانه تکلیفی است. اهل لغت عرب، «افساد» را متضاد «اصلاح» دانسته‌اند و استعمال آن در معانی متعدد مانند جنگ، خونریزی، فتنه، توطئه، کفر و معصیت و حتی ابطال، اهلاک و اسراف و نیز فساد مادی و اخلاقی، نشان دهنده جواز استعمال در واژه آلودن می‌باشد. حتی استعمال آن در برخی روایات مانند صحیحہ ابن ابی یعفر که از لفظ «افساد» در مفهوم تنجیس استفاده نموده است، نشان دهنده استعمال نسبت به مفهوم آلودن می‌باشد: «عبد الله بن أبي يعفور، وعنبة بن مصعب، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا أتيت البئر وأنت جنب، فلم تجد دلوا، ولا شيئا تغرف به فتيمم بالصعيد، فان رب الماء رب الصعيد، ولا تقع في البئر، ولا تفسد على القوم ماءهم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۶۵). در صحیحہ محمد بن اسماعیل بن بزیر از امام رضا علیه السلام نیز چنین وارد شده است: «ماء البئر واسع لا يفسده شيء الا أن يتغير ريحه، أو طعمه، فينزع حتى يذهب الريح ويطيب طعمه، لان له مادة» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳۴).

صرف آلودن باید محکوم به حرمت باشد. زیرا چه از دیدگاه عرف و چه شرع اطلاق بیان‌کننده تعمیم حکم نسبت به هر دو صورت می‌باشد. زیرا هیچ قیدی مبنی بر صورت دوم وجود ندارد. از طرفی اصل بر عدم قرینه می‌باشد. پس هر نوع آلودن خواه امکان اصلاح وجود داشته باشد یا نه، مشمول حکم تکلیفی خواهد بود. افساد فی الارض گرچه صغرای قیاس یعنی حرمت افساد را اثبات می‌کند ولی با توجه به آیات دیگر و استعمال واژه افساد در معانی و مفاهیم دیگر می‌توان به یک کبری نیز دست یافت و آن اینکه آلودن به معنای تباهی مادی در زمین که شامل خاک و آب می‌شود، مصداق افساد است. پس در نتیجه آلودن آب می‌تواند از دیدگاه قرآن ممنوع باشد.

برخی از معاصرین در این زمینه با فتوا به حرمت افساد، تباه نمودن بعد از اصلاح را بدتر دانسته‌اند (شیرازی، ۱۴۲۰: ۲۰). ارتباط صلاح و فساد زندگی مادی و معنوی آدمی با صلاح و فساد زمین (وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ج ۱: ۵۷) باعث شده تا بتوان ادعا نمود هر نوع افساد در زمین به دلیل تأثیر در زیست انسان محکوم به حرمت است.

استفاده از نعمات الهی امری مباح شمرده شده است ولی اگر همین استفاده موجب ایجاد فساد گردد ممنوع خواهد بود. به تعبیر دیگر ممنوعیت دنبال کردن فساد در زمین به واسطه نعماتی که خداوند متعال در اختیار آدمی قرار داده از آیه ۷۷ سوره قصص

برداشت می‌شود. زیرا بنای خلقت و آفرینش بر صلاح و اصلاح می‌باشد (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۱۶: ۷۷).

مراد از فساد در زمین تباه نمودن وضع مطلوبی است که آدمی در زمین از جهت استقرار، امنیت، حفظ مال و نفس و طبیعت دارد. فساد در زمین باعث سلب همین امنیت و استقرار می‌باشد. گاهی افساد امنیت و استقرار مطلوب را از میان نمی‌برد بلکه باعث فساد عقیده و فکر شده و یا فساد اخلاق و مسائل سیاسی و اقتصادی را در بر دارد. البته اطلاق افساد فی الارض به این موارد تا زمانی که موجب سلب امنیت و استقرار نشده درست نیست. بنابراین ظاهر عنوان افساد فی الارض اخلال در صلاح و وضع طبیعی زمین است نه افساد فکر و عقیده یا نظام اجتماعی. پس اضافه شدن فساد بر زمین می‌تواند به این معنا باشد: هر اقدامی که موجب شود زمین مکان مناسبی برای زندگی نباشد (خواه امنیت روانی و یا جسمانی در آن از میان رود) و یا تجاوز به اموال، نفوس و ناموس انجام شود، افساد در زمین رخ داده است (شاهرودی، ۱۴۱۷: ۱۰۸-۱۰۹).

لازم به ذکر است که آیات فوق نهی کننده از افساد می‌باشند. نهی موجود در آیات بدون هیچ قرینه‌ای بوده و خداوند متعال در مقام بیان می‌باشد. پس مقدمات حکمت در آن تمام است. بنابراین نهی در آیه نهی مولوی بوده و دلالت بر حرمت خواهد داشت. اگر دلیلی در برابر این نهی اقامه می‌شد طبعاً با نگاه به تعارض دو دلیل شاید به حکم دیگری دست یافته می‌شد ولی تنها دلیل در مقابل این نهی، اصل اباحه است که به واسطه حکومت قاعده لا ضرر بر آن، از اعتبار ساقط خواهد بود.

بیان شد که قرآن از «افساد» نهی نموده است. ممکن است چنین به نظر برسد که نهی اعم از حرمت و کراهت است. بدین ترتیب که امکان کراهت در برخی نواهی وجود دارد. خصوصاً زمانی که قرینه‌ای مانند اصل اباحه وجود داشته باشد. نهی از «افساد» نیز ممکن است در برخی امور مانند مسأله مورد بحث حمل بر کراهت شود. چراکه می‌توان در مقابل آن بر اصل اباحه استناد جست.

در پاسخ باید خاطر نشان ساخت سیاق آیات بیان شده و دیگر آیات «فساد» و «افساد» را به صورت مطلق حرام می‌دانند. اموری مانند خونریزی، فساد مالی و اخلاقی،

معصیت خداوند متعال، کفر و ظلم همگی جزء مفاهیمی بودند که در قرآن از آن‌ها با عنوان «افساد» یاد شده ولی هیچ کدام مکروه و یا مباح شمرده نمی‌شوند. همین سیاق می‌تواند در موارد دیگر نیز سریان داشته باشد. بدین صورت که با تعمیم معنای این واژه به مفاهیم دیگر مانند تباه کردن، تضييع و آلودن که در عرف مصداق «افساد» است می‌توان حکم آن را استخراج نموده و حرمت را به چنین جایی سرایت داد. تضييع مال مفید چنانکه در عبارات فقها نیز دیده می‌شود امری قبیح و محکوم به حرمت می‌باشد. تذبذیر در کفن (موسوی خوئی، ۱۴۱۸: ۹، ۱۴۲)، بلا استفاده کردن طلا و نقره با ساختن ظروف (آبی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۱۹)، جواز نبش و تشریح جسد میت در صورت وجود شیء با ارزش در بدن وی (اسدی حلی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۳۵)، حرمت ممانعت از خوردن و نوشیدن حیوان (اسدی حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۶ ش ۱۸۹) و فساد حیوان مذبوح در صورت عدم استفاده (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۱۹۹) از جمله مواردی است که تضييع محکوم به حرمت شمرده شده است.

حال این عمل با عنوان «افساد»، «تضييع»، «تذبذیر» یا «اتلاف» همگی مفاهیمی یکسان می‌باشند که بر تباه کردن اطلاق می‌شوند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۰۳). صدق عنوان تضييع بر تباه کردن و ترادف آن با واژه «افساد» در مورد از میان بردن منابع آب منجر به حکم حرمت می‌شود. البته این امر را می‌توان به وجوه دیگر نیز اثبات کرد زیرا آب از دیدگاه عقلا و عرف مالیت داشته و همین مالیت باعث می‌شود تا اتلاف آن که در اینجا عنوان آن «افساد» است، محکوم به حرمت باشد. گرچه با آلودن به واسطه ورود پساب به داخل رودخانه اتلاف به معنای نابودی کامل نیست ولی چنانکه در تعریف اتلاف بیان شده است هر کس مال یا منافع مترتب بر یک مال را به طریقی از میان ببرد متلف خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۱۹۳).

در اینجا نیز آب در تماس با مواد خارجی مانند مواد شیمیائی و آلی، خصوصیت خود یعنی پاکی و پاک‌کنندگی (چه از نظر شرعی و چه عرفی یعنی تنظیف) را از دست می‌دهد. در واقع منفعت غالب آب که شرب، شست‌وشو و آبیاری است از میان رفته و برای احیای آن نیاز به هزینه‌های گزاف می‌باشد. بنابراین تباه کردن در اینجا نیز صدق می‌کند.

تقابل تحریم پیش گفته یا اصل اباحه از دیگر مشکلاتی است که می‌تواند مطرح شود. به این صورت که گرچه ریختن فاضلاب‌ها در رودها و دریاها امری ناپسند و مورد پذیرش عقل و عرف نیست ولی تمام زمین و امکانات آن برای آدمی و استفاده او آفریده شده‌اند. چنانکه برخی آیات بر این امر اشاره دارند(بقره/ ۲۹).

نتیجه‌ای که می‌توان از مباحث فوق گرفت اینکه وارد نمودن پساب در رودها و دریاها جزء مصادیق استفاده آدمی است و همه زمین برای او آفریده شده و ریختن پساب‌ها استفاده‌ای است که خداوند متعال آن را مباح دانسته است. در پاسخ باید متذکر شد این آیه گرچه مطلق به نظر می‌رسد ولی قیودی که توسط آیات و روایات و حتی عقل بر آن زده شده مانع از پذیرش اطلاق آن است(ابن شهرآشوب، ۱۳۶۹، ج ۲: ۸۹).

### نتیجه بحث

مطابق داده فوق می‌توان به یک استنتاج منطقی دست یافته و گفت: صغری: آلوده کردن آب رودها و دریاها خصوصاً آب‌های شیرین فاسد کردن(تباه نمودن) آب مفید است.

کبری: «افساد» و تباهی از دیدگاه قرآن کریم حرام است.

نتیجه: آلوده کردن آب رودها و دریاها حرام است.

همانگونه که در مباحث قبل گذشت ریختن فاضلاب‌های صنعتی و فاضلاب‌ها در رودها که منابع عمده آب شیرین را تشکیل می‌دهند منجر به آلودگی گسترده آن شده و طبق یافته‌های دانشمندان علوم تجربی این آلودگی‌ها ثمرات زیانباری برای آدمی و جانداران دیگر و در کل محیط زیست داراست. از طرفی جبران چنین خساراتی هزینه‌های فراوانی را در پی دارد. همچنین مطابق آنچه بیان شد افساد عناوین دیگر که در مفهوم و مصداق هم‌سان‌اند، جزء محرمات شمرده شده و از دیدگاه قرآن محکوم به حرمت می‌باشند.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

- اسدی حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. ۱۴۲۰ق، **تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية**، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- اسدی حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر. ۱۴۱۴ق، **تذكرة الفقهاء**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- اصفهانى، حسين بن محمد راغب. ۱۴۱۲ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، سوریه- لبنان: دار العلم-الدار الشامیة.
- انوری، حسن. ۱۳۸۲ش، **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران: انتشارات سخن.
- آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی. ۱۴۱۷ق، **كشف الرموز فى شرح مختصر النافع**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بلاک، جان. ۱۳۶۴ش، **تکنولوژی آباهای آلوده**، ترجمه محمد رضا بنزاده ماهانی، علی اکبر سمنارشاد، تهران: انتشارات میقات.
- بهزادفر، مصطفی. ۱۳۸۸ش، **زیرساخت‌های شهری**، آبرسانی و فاضلاب، تهران: انتشارات شهیدی.
- جوزی، عبدالرحمن بن علی. ۱۴۰۷ق، **زاد المسیر فى علم التفسیر**، بیروت: دار الفکر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۴۱۰ق، **الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت: دار العلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حسینی شیرازی، سید محمد. ۱۴۲۰ق، **الفقه، البيئة، بیروت: مؤسسة الوعي الإسلامی.**
- حلی، جعفر بن حسن. ۱۴۰۸ق، **شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حمیری، نشوان بن سعید. ۱۴۲۰ق، **شمس العلوم ودواء كلام العرب من الكلوم**، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- خراسانی، حسین وحید. ۱۴۲۸ق، **منهاج الصالحین**، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
- دمشقی، اسماعیل بن کثیر. ۱۴۰۵ق، **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دار المعرفة.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. ۱۳۷۶ق، **البرهان**، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- سعدی، ابو جیب. ۱۴۰۸ق، **القاموس الفقهی لغة واصطلاحا**، دمشق: دار الفکر.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۳۶۵ق، **الدر المنثور**، بیروت: دار المعرفة.
- شرتونی خوری، سعید. ۱۴۰۳ق، **اقرب الموارد فى فصیح العربیة**، قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

- طباطبائی، سید محمد حسین. ۱۴۰۲ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۵ق، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۸ق، **جوامع الجامع**، قم: موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- طریحی، فخر الدین. ۱۴۱۶ق، **مجمع البحرین**، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۷ق، **تهذیب الأحکام**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی.
- عروسی، عبد علی. ۱۴۱۲ق، **نور الثقلین**، قم: موسسه اسماعیلیان.
- عمید، حسن. ۱۳۸۹ش، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: نشر اشجع.
- عیاشی، محمد بن مسعود. بی تا، **التفسیر**، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۰ق، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت.
- فروزنده شهرکی، کیهان. ۱۳۸۳ش، **اصول تصفیة و بهسازی منابع آب**، تهران: نشر دانشگاه پیام نور.
- فیض کاشانی، محسن. ۱۴۱۶ق، **التفسیر الصافی**، تهران: مکتبه الصدر.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۴۱۲ق، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- قرطبی، محمد بن احمد. ۱۴۰۵ق، **الجامع لأحكام القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مازندرانی، محمد بن علی. ۱۳۶۹ق، **متشابه القرآن ومختلفه**، قم: دار البیدار للنشر.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۱۱ق، **القواعد الفقهیة**، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین علیه السلام.
- موسوی خمینی، سید روح الله. ۱۴۲۱ق، **کتاب البیع**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- موسوی خویی، سید ابو القاسم. ۱۴۱۸ق، **موسوعة الإمام الخوئی**، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- نحاس، ابی جعفر. ۱۴۰۹ق، **معانی القرآن**، عربستان سعودی: جامعة أم القرى.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد. ۱۳۸۸ق، **اسباب نزول القرآن**، قاهره: موسسه الحلبي وشركائه.
- واسطی، سید محمد مرتضی. ۱۴۱۴ق، **تاج العروس**، بیروت: دار الفكر.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. ۱۴۱۷ق، **مقالات فقهیة**، بیروت: مرکز الغدير للدراسات الإسلامیة.

### **Bibliography**

The Holy Quran

Aabi, Hassan ibn abi talib, Kashf al romooz fi sharh al mokhtasar al naif, Qom-iran, published by the Islamic Propagation Office of Qom Seminary, 1417A H.

Asadi helli, Hassan ibn yoosof ibn motahhar, Tahrir alahkam al shariyah, imam sadiq institute, 1420 A H.

Asadi helli, Hassan ibn yoosof ibn motahhar, Tazkirah al foqaha, qom-iran, Aal al bayt institute, 1414A H.

Isfahani, Hussein bin Mohammad Ragheb, MofraddatAlfaz al Quran, in one volume, Dar oal elm - Dar Alshamiyah, Lebanon - Syria, I, AH 1412.

Anvari Hassan, great Speech dictionary, Tehran-iran, published by speech, 1382.

A Block john, technology abhaye aalode, published by miqat, Tehran-iran, 1364.

Behzad far, mostafa, zir sakthaye shahri, published by shahidi, Tehran-iran, 1388.

Jozi, abd al rahman ibn ali, zaad al masir fi elm al tafsir, daar al fikr, birut- Lebanon, 1407A H.

jovhari, Ismail ibnHammad, Alsehah-Taj o Alloghah and SahahalArabiyah, , Dar al-AElmLmlayyin, Beirut – Lebanon, 1410 A H.

Helli, jafar ibn Hassan, sharaai al islam fi masa il al halal va al haram, ismailian institute, qom- iran, 1408 A H.

Hemyari, NASHWAN bin Said, Al Shams al-Ulum and Dva'alKalam min Alkalum, , Dar alFikrAlmoaser, Beirut - Lebanon 1420AH.

Korasaani, hossain vahid, minhaj al salihin, imam baqer school, qom- iran, 1428 A H.

Damishqi, ismail ibn kathir, tafsir al qoran al azim, dar al marifah, birut-lebanon, 1405 A H.

Zarkeshi, mohammad ibn abdallah, alborhan, dar ehya al kotob al arabiyah, qahira-egipt, 1376 A H.

Sadi, aboo habib, al qamoos alfeqhi, dar al fikr, dameshq-syria, 1408 A H.

Siuty, jalal al din, al dor al maksoor, dar al marifah, birut-lebanon, 1365 A H.

Shahroodi, seyed mahmood hashemi, maqalat feqhiah, center of alqadir lederasat al islamiyah, birut-lebanon, 1417 A H.

Shartooti khoori, said, aqrab al mavared fi fash al arabiyah, marashi najafi library, qom-iran, 1403 A H.

Shirazi, seyed mohammad hosseiny, al fiqh al biah, moasisah always al islami, birut-lebanon, 1420A H.

Tababai, seyed mohammad hossain, al mizan fi tafsir al qoran, Islamic publishing office of the Society of Seminary Teachers of Qom, Qom – Iran, 1402 A H.

Tabarsi, fazl ibn Hassan, majma al bayan fi tafsir al qoran, moasesa al aalami lelmatboat, birut-lebanon, 1415A H.

Tabarsi, fazl ibn Hassan, jawami al jame, Islamic publishing office of the Society of Seminary Teachers of Qom, Qom – Iran, 1418A H.

Torayhi, fakhr al din, majma al bahrein, mortazavi book store, Tehran-iran, 1416 A H.



- Toosi, mohammad ibn Hassan, al jebyan fi tafsir al qoran, maktab al aalam al islami, 1409 A H.
- Toosi, mohammad ibn Hassan, tahzib al ahkam, dar al kotob al islamiyah, Tehran-iran, 1407A H.
- Ameli, Hor, Muhammad ibnHasan, VasaeloalShia, Institute of al-Bayt peace be upon them, Qom - Iran, first, 1409 AH.
- Aroosi, abd ali, nor al saqalain, ismailian institute, qom-iran, 1412 A h.
- Amid, Hassan, Persian dictionary, published by ashja, tehran- iran, 1389.
- Ayashi, mohammad ibn masood, al tafsir, maktabah al elmiyah al islamiyah, Tehran-iran.
- Foroozande shahraki, keyhan, Tenet of infiltration and Sanitation of water mines, published by payam nor university, Tehran-iran, 1383.
- Farahidi, khalil ibn ahmadm kitab al eyn, published by hejrat, qom-iran, 1410 A H.
- Feiz kashani, mohseen, altafsir alsaafi, maktabah al sadr, Tehran-iran, 1416 A H.
- Qortobi, mohammad abn ahmad, al jame leahkam al qoran, dar ehya al toras al arabi, birut-lebanon, 1405A H.
- Qorashi, seyed ali akbar, qamoos qoraan, dar al kotob al islamiyah, Tehran-iran, 1412 A H.
- Koleini, mohammad ibn yaqoob, al kafi, dar al kotob al islamiyah, Tehran-iran, 1407A H.
- Mazandarani, mohammad ibn ali, motashbih al qoran va mokhtalafeh, dar al bidar lelnashr, qom-iran, 1369 A H.
- Makarem shirazi, naser, alqawaed al feqhiah, imam ali school, qom-iran, 1411A H.
- Mosavi khoi, seyed aboalqasem, mosooa alimam alkhoi, ehya asar al imamkhoi institute, qom-iran, 1418 A H.
- Mosavi Khomeini, seyed roohallah, kitab al bei, Conduction and published of imam khomeinis signs institute, Tehran-iran,1421 A H.
- Nahas, abi jafar, maani al qoran, jamiah oom al qora, soudi Arabia, 1409 A H.
- Wahedi neyshaboori, ali ibn ahmad, asbab nozool al qoran, alhalabi and shoraka institute, qahirah-egypt, 1388 A H.
- Vaseti, seyed mohammad morteza, taj al aroos, dar al fekr, birut-lebanon, 1414 A H.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی